

مسائل مستحدثه قضا (جلسه ۶) یکشنبه ۰۹/۰۷/۰۲

بررسی فقهی قانون تجارت؛ افلاس شرکت، شواهد و مؤیدات لزوم عاقبت سنجی در حکم به حجر

شواهد و مؤیدات لزوم عاقبت سنجی در حکم به افلاس

مقصود از این بحث آن است که وقتی حاکم شرع می‌خواهد حکم به حجر بدهد، باید عواقب آن را در نظر بگیرد و چه بسا به خاطر عواقب و پیامدهای حکم، نباید حکم به حجر بدهد.

۱- حکم کلی وقتی بر مصادیق تطبیق می‌شود، باید لوازم آن در نظر گرفته شود. مسئله فروش انگور به کسی که می‌خواهد خمر بسازد، مطرح شد که اگر فعل فروش انگور منجر به شرب خمر شود، جایز نیست. یا بیع سلاح به دشمن جایز است اما اگر موجب تقویت دشمن شود، حرام است.

بیع چیزهای دیگر به دشمن هم همین‌طور است یعنی اگر منجر به تقویت دشمن می‌شود یا به قصد تقویت دشمن است، فرقی بین بیع سلاح و نفت یا هر چیزی که موجب تقویت دشمن می‌شود، وجود ندارد.

۲- در روایات بحث تلقی رکبان فراوان نقل شده است و از تلقی رکبان نهی شده است. (البته ظاهراً نهی تنزیهی و مکروه است). تلقی رکبان مباح است اما منتهی به ضرر کاروان می‌شود چون هنوز به شهر نیامده‌اند فلذا از قیمت خبر ندارند و ضرر می‌کنند؛ به همین جهت مکروه یا حرام است. (بستگی به نوع ضرر دارد).

۳- احتکار فی نفسه اشکالی ندارد اما اگر موجب ضرر مردم بشود مثلاً جنس کمیاب یا گران شود، حرام است. احتکار و انبار کردن جنس امری است که از حقوق فردی مردم و آزادی مالی مردم است اما چون با حقوق اجتماعی تعارض دارد و حقوق اجتماعی مقدم است، حرام است.

۴- مورد حدیث لا ضرر این است که سمره بن جندب در خانه دیگری درختی داشت و بدون اجازه وارد منزل او می‌شد. پیامبر پس از اینکه با او صحبت کردند و او نپذیرفت، فرمود درخت را بکنید: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام». کسی که در منزل دیگری درخت دارد، ابتداءً حق ورود دارد و مباح است اما چون موجب ضرر دیگری است، حرام است.

اینکه پیامبر فرمود: «مَا أَرَاكَ يَا سَمُرَةُ إِلَّا مُضَارًّا». (من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۱۰۳) شاید به این معنا باشد تو نیت اضرار داری یا معنایش این است که نیت اضرار نداری اما عمل تو موجب اضرار بر دیگری می‌شود. مقدس اردبیلی این دو احتمال را در بحث اعانه بر اثم مطرح کرده است. عمل مباحی که موجب اضرار بر دیگری می‌شود، حرام است.

۵- در کتاب الشکره درباره قسمت بحث می‌شود. در بحث قسمت بیشترین بحث آن است که اگر تقسیم موجب ضرر یکی شد، حرام است درحالی که در روایات کتاب الشکره حتی یک حدیث درباره لا ضرر نیامده است اما فقها لا ضرر را به مصادیق دیگر سرایت داده‌اند:

الف- اگر حمای بین دو نفر مشاع است، نمی‌توان آن را تقسیم کرد چون مجموعش یک چیز است و اگر تقسیم شود، دیگر حمام نخواهد بود. این تقسیم موجب اضرار است و جایز نیست.

ب- مشکلی که امروزه در کشور وجود دارد، زمین‌های بزرگ کشاورزی است. وقتی صاحب زمین بمیرد و به ورثه برسد چنانچه تقسیم شود، موجب ضرر به کشاورزی کشور و موجب اضرار کشاورزی است. باینکه مال مشاع را می‌توان تقسیم کرد، اما چون باعث ضرر بزرگ‌تری به کشور است (بفرض اینکه کلام کارشناسان کشاورزی درست باشد) جایز نیست.

ج- در زمین‌های کوچک هم همین‌طور است. مثلاً شخصی زمین پنجاه متری دارد. بعد از مرگ وی باید بین پنج ورثه تقسیم شود که به هرکدام ده متر می‌رسد. در این مورد هم چون باعث فوت منافع مال می‌شود، تقسیم جایز نیست.

د- حفر چاه مباح است بلکه در مواردی مستحب است؛ اما اگر چاه پشت منزل مردم باشد و باعث افتادن مردم بشود، موجب اضرار است و لذا حرام می‌شود.

ه- اگر کسی در منزلش درخت دارد و می‌خواهد آن را قطع کند، ایرادی ندارد؛ ولی امروزه شهرداری می‌گوید چون آسیب به محیط‌زیست است، ممنوع است. مصلحت فردی شخص قطع درخت است اما مصلحت اجتماعی مخالف آن است و مصلحت اجتماعی مقدم است.

و- در لندن شخصی خانه یازده طبقه ساخت و همسایه شکایت کرد که جلوی آفتاب را گرفته است. قانون انگلیس، کاملاً است لذا پاسبانی در خیابان از مردم مصاحبه کرد که آیا این ظلم است؟ اکثر مردم گفتند این ظلم است لذا قاضی حکم به تخریب داد.

اگر کسی برج یا آسمان‌خراش می‌خواهد بسازد و نتیجه‌اش آن است که جلوی باد را می‌گیرد همان ملاک را دارد و جایز نیست.

البته در موارد مختلف فرق می‌کند. اگر ساختمانی در عربستان ساخته شود و جلوی آفتاب را بگیرد و شبیه همان در مسکو یا سبیری ساخته شود، بین این دو فرق است. در عربستان جلوی گرما را می‌گیرد و به نفع همسایه است اما در مسکو و سبیری موجب ضرر همسایه است. شاید در حدیث که می‌فرماید (و اما الحوادث الواقعه) معنایش این باشد که مثلاً خانه‌ای جلوی آفتاب یا باد را می‌گیرد یا باعث دیدن منزل همسایه می‌شود، در چه منطقه‌ای است و طبق آن حکم داد، یعنی حوادثی که در کنار موضوع شرعی است.

ز- اگر کسی زمین بزرگی دارد و می‌خواهد وسط زمین مسجد بسازد؛ دور مسجد زمین خودش است و می‌گوید هر کسی که می‌خواهد وارد مسجد بشود باید از من اجازه بگیرد تا ریاستی برای خودش درست کند. مسجد ساختن مستحب است اما چون منفعت عام ندارد مسجد ضرار است.

فقها گفته‌اند اگر شیعه‌ای مسجدی بسازد که فقط برای شیعیان وقف کند یا سنی مسجدی بسازد که فقط برای اهل سنت وقف کند، معلوم نیست اصل مسجد بودن واقع شود و صیغه مسجد باطل است چون نوعی مسجد ضرار است و باعث تفرقه مسلمین می‌شود.

ح- اذن پدر برای دختر باکره، ایلاء به قصد اضرار به زن یا اینکه قصد اضرار ندارد اما موجب اضرار می‌شود، طلاق همسر و رجوع در روز آخر عده و طلاق دوباره و رجوع در روز آخر؛ این موارد گرچه ابتداءً مباح و مشروع است، اما چون اضرار به زن است نامشروع است.